

فرهنگستان

فرهنگستان

فرهنگستان

فرهنگستان



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

۲۴ سال پس از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر در نیویورک و آغاز موج اسلام‌هراسی، مردم این ایالت زهران ممدانی مسلمان را به‌عنوان شهردار خود انتخاب کردند. او با ۵۱ درصد آرا (۲۲۲ هزار و ۷۱۶ رأی) برابر دو رقیب خود به پیروزی رسید و قرار است از روز شنبه به‌عنوان جوان‌ترین شهردار ۱۰۰ سال‌گشتنه نیویورک‌عالمیت‌کند. معمولاً انتخابات‌های ریاست جمهوری وکنگره ایالات متحده توجّه رسانه‌های بین‌المللی را جلب می‌کنند؛ اما انتخابات ایالتی اخیر به طرز کم‌سابقه‌ای مورد توجّه ناظران بین‌المللی قرار گرفت. اینکه یک مسلمان شیعه برای نخستین بار شهردار ایالت معروف آمریکا شده مهم است؛ اما به نظر می‌رسد مؤلفه کافی‌ای برای پیروزی او نبوده‌است. در فضای انتخاباتی ایالات متحده، ممدانی را به‌عنوان یک سوسیال‌دموکرات می‌شناسند و عمده شعارها و سخنرانی‌های او ریشه در همین تفکر دارد. اغلب رسانه‌های بین‌المللی هم این موضوع را مورد توجّه قرار داده‌اند که در نظم مستقر سرمایه‌دارانه آمریکا، یک سوسیالیست بدون پایگاه‌آری پیشینی، لابی و پول‌پاشی توانسته شهردار مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهر آمریکا شود. این شهردار ۳۴ ساله در سخنرانی پیروزی خود به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اشاره کرد که هدفش «مرعوب کردن مستبد و توقف ترامپ و هم‌پیمانانش» است و پیروزی در انتخابات شهرداری را گامی برای مقابله با خیانت‌های ترامپ به مردم و جلوگیری از بازگشت قدرت او توصیف کرد.
با این حال دو سؤال اصلی در بین اذهان مطرح است؛ اول اینکه ممدانی مسلمان، شیعه، چپ‌گرا و مهاجر چطور توانست با موانع مختلفی از جمله دونالد ترامپ، ایلان ماسک و… بجنگد و پیروز شود. مسئله دوم جنر حوز پیام‌ها و معناهای این پیروزی است.

ممدانی چطور پیروز شد؟

مجموعه وعده‌های اقتصادی زهران ممدانی باتیابی از رویکرد چپ‌گرایانه اوست که

دینامیت در خانه

بر بازتوزیع منابع، مهار سرمایه‌داری افسارگسیخته و بازگرداندن قدرت به طبقه کارگر تمرکز دارد. او در برنامه خود بر تثبیت اجاره‌بهای مسکن و مقابله با مالکان مختلف تأکید کرده و وعده داده با بازسازی ساختار شهرداری و نظارت مؤثر، امنیت مسکن را به بنیان ثبات اقتصادی شهروندان بند کند. در حوزه حمل‌ونقل، اعلام کرده قصد دارد کرایه اتوبوس‌ها را حذف کرده با ایجاد خطوط سریع‌السیر، سیستم حمل‌ونقل عمومی را کارآمدتر و در دسترس‌تر سازد. ممدانی امنیت اجتماعی را در افزایش بودجه پلیس نمی‌داند و معتقد است سرمایه‌گذاران باید بر سلامت‌تروان، آموزش و پیشگیری از خشونت باشد. او وعده داده بودجه برنامه‌های مقابله با نفرت پراکنی را تا ۸۰۰ درصد افزایش دهد. از دیگر برنامه‌های او ایجاد نظام مهدکودک رایگان برای کودکان زیر پنج سال، ارتقای دستمزد مربیان و توسعه فروشگاه‌های مواد غذایی دولتی است تا فشار هزینه‌های زندگی از دوش خانواد‌های کارگر برداشته شود. ممدانی همچنین وعده داده در ۱۰ سال آینده ۲۰۰ هزار واحد مسکن مقرون به‌صرفه با مشارکت اتحادیه‌های کارگری بسازد و منابع مالی این طرح‌ها را از طریق افزایش مالیات شرکت‌های بزرگ و ثروتمندان تأمین کند. این شعارهای اقتصادی حتی با نگاه چپ به‌فشر پروتلاز نقش مؤثرتری در پیروزی ممدانی داشته‌است تا مسلمانی و مذهبی.

علیه الیگارش‌ی قدرت

پیروزی زهران ممدانی را باید به‌عنوان یک نقطه‌معطف در تحولات اجتماعی و سیاسی آمریکاید. در انتخاباتی که تقریباً تمام شبکه‌های قدرت علیه او وصف کشیده بودند، از چهره‌های خاص دموکرات‌ا جمهوری خواهان و حتی چهره‌های ثروتمند و بانفوذ، هدف مشترکشان شکست ممدانی بود. ترامپ حتی حاضر شده نفع اندروگو، موزی رقیب دموکرات او موضع بگیرد تا مانع پیروزی‌اش شود؛ اما این سیسج بی سابقه الیگارش‌ی آمریکا ناکامی‌ای که البته می‌تواند از خود پیروزی ممدانی مهم‌تر باشد. دلیل این سیسج همه‌جانبه علیه ممدانی، مواضع ضد ساختار و بویژه انتقادات تند او از سیاست خارجی آمریکا بود. از پایان دادن به جنگ‌هایی که آمریکا در آن دخیل است تا

شهردار شدن «ممدانی» موجی از مقایسه‌های غیرواقعی بینانه بین ایران و آمریکا به راه انداخت

مصادره چ‌ی‌های واقعیت

هم‌دور زدن نیست که نگاهو افکار غرب‌زده‌ف‌ی نسخه‌غرب‌را محور قرار می‌دهند و هر اتفاقی را در نسبت با غرب‌با و از زاویه نگاه غرب‌ز بسؤال برده و نقد می‌کنند.

در ایران ۳۰ ساله‌ها رد صلاحیت می‌شوند؟

با فرض پذیرش این قیاس هم استدلال آنکه جوانانی مثل ممدانی اجازه ورود به سطوح حکمرانی را ندارند، خطاست. در همین دوره و در پیشین انتخابات مجلس، تعداد زیادی از کاندیداهادر همین رده‌سنی وارد کارزار انتخابات شدند و با کارکشته‌های سیاست رقابت کردند. از آن سمت هم می‌توان نمونه‌هایی از حضور اقلیت‌های دینی مسلمان در سطوح اجرا رد دولت ذکر کرد که البته به برخی از آن‌ها نقد هم وارد است؛ اما در کلیت، القای آنکه دموکراسی در ایران در فضایی بسته و بی‌سنگ‌گونه پیش می‌رود و در نقطه مقابل راه‌برای همه‌نخبگان در آمریکا برای ورود به ساحت حکومت باز است نیز خطاست؛ چراکه لازمه ورود به‌قدرت در آمریکا، ورود به یک قدر ق‌ب‌رتمند و پذیرفته‌شدن در آن است و براین اساس نمی‌توان تاین انداز هاده‌انگاره به ماجرا نگذ کرد.

ابدئال گرای‌ی افراطی در تحلیل افول غرب

از طرف دیگر، اینکه تصور کنیم انتخاب ممدانی که مسلمانی شیعه است به معنی پایان نظام سکولار در آمریکا ست هم ناشی از عدم قدرت‌دست‌از واقعیت است. ممدانی دومین شهردار مسلمان در پایتخت‌های غربی است و از این جهت این اتفاق قابل بررسی است که تا کنه حائز معنایی بر کن‌فیکون شدن سیاست در آمریکا باشد حمایتی آمریکا از اسرائیل که منجر به افول مشروعیت دولت آمریکادر داخل ایالات متحده و جهان شده، در قرارگرفتن مسلمانان در ساخت قدرت، حائز اهمیت است. باید به این نکته توجه داشت که ممدانی تحت حمایت حزب دموکرات و شخص باراک اوباما، انتخابات را پیروز شد. حزب دموکرات باتکیعبر نقطه اختلافاتش با ترامپ به‌خصوص در مورد سیاست‌های مهاجرتی، به‌حمایت از ممدانی پرداخت و البته مسلمان بودن ممدانی را به‌عنوان برگ برنده‌ای برای همراه کردن اقلیت مسلمان آمریکا با خود، علیه ترامپ استفاده کرد. نتیجه این انتخابات پیش از آنکه حائز معنایی بر کن‌فیکون شدن سیاست در آمریکا باشد که عموماً در اختیار مسیحیان بوده، در درون ساختار انتخاباتی و حزبی آمریکا قابل تحلیل است. از این جهت بهتر آن است که در تحلیل انتخابات نیویورک پیش از غلبه احساسات و فوق‌زدگی و به حاشیه بردن اصل اتفاق، رصد دقیقی از تمام ابعاد ماجرا ارائه کرد. نکته عجیب این است که برخی از این نظر‌ها از جانب کارشناسانی که عموماً خوزه تخصصی آن‌ها مسائل آمریکاست ارائه شده؛ اما اظهار نظر‌ها به گونه‌ای مطرح می‌شوند که گویی کمترین شناختی از آمریکا و ساختار قدرت این کشور ندارند و به‌تازگی با آن‌را وروروشلند.

انتخابات شهرداری نیویورک الگوی کار حزبی منسجم

حتی اگر مبنای این است که نسبتی با انتخاب ممدانی وسایست در ایران پیدا کرد والگویی از آن ساخت، گزینة بهتر آن است که برای افکار عمومی این موضوع روشن شود که انتخاب یک سیاست‌مدار جوان مدافع اقلیت در انتخابات شهرداری آمریکا وروروش به‌ساخت قدرت، چگونه ممکن است. همچنین نباید این گزاره را نادیده گرفت که این پیروزی، خروجی یک کار سیاسی منسجم حزبی و حمایت همه‌جانبه حزب دموکرات است که با درک درست و دقیق خواست مردم نیویورک و انتقاداتی صورت گرفت که به‌سیاست‌های ضد اقلیتی ترامپ وارد بود. از این جهت، الگوی مناسبی برای کار حزبی و سیاسی در ایران است که در حال حاضر به گعده‌بازی و پروژمسازی محدود شده‌است. نکته مورد توجه آن است که دموکرات‌ها و البته ممدانی‌کنشی هوشمندانه در ساحت سیاست ارائه دادند و با همراه کردن منتقدان سیاست‌های ترامپ، هم دعوی حزبی را بردند هم قدرت حزب دموکرات در رقابت با ترامپ را به نمایش گذاشتند.

اولویت سیاسی‌کاری بروا‌ق‌عیت

واقعیت کلیدی آن است که بازنده اصلی ترمپ ممدانی در انتخابات شهرداری که ترامپ بود؛ چراکه ممدانی درست ۱۸۰ درجه با آنچه ترامپ می‌خواست، فاصله دارد و این از جهت نقطه شروع تضعیف قدرت ترامپ برای پیشبرد اهداف تعامیت خواهانه‌اش در ایالات متحده‌است. اما در کمال تعجب جامعه‌نخبگانی و دانشگاهی ایران به جای آنکه روی تبیین ابعاد این انتخاب برای افکار عمومی بر مبنای واقعیات تکیه کنند، بیشتر متمرکز بر آن است تا بهانه‌هایی پیدا کنند و مخالفان نگاه خود رقیب‌ای سیاسی‌اش را برانزود تسویه حساب‌کند.

محکومیت جنایات اسرائیل، مواضعی است که کاملاً در تضاد با منافع ساختار مسلط قدرت در واشنگتن و نیویورک قرار دارد.

پایان هژمونی پول

آنچه این پیروزی را ویژه‌تر می‌کند، شیوه‌ای است که ممدانی داشت. او هیچ وابستگی به لابی‌های ثروت و قدرت نداشت. در کشوری که لابی‌گری قانونی است و لابی‌های بزرگ ده‌ها میلیون دلار برای پیشبرد منافع خود در سیاست خرج می‌کنند، ممدانی بدون حمایت این ساختار قاسد و به‌ویژه از لایه‌های سخت لابی صهیونیستی آپیک توانست رأی بیاورد. تمام هژینه‌های کمپین او از کمک‌های خرد مردمی تأمین شد و همین استقلال از لابی‌ها و کمپانی‌ها، او را به نماد نوعی بازگشت به سیاست پاک و مردمی در آمریکا تبدیل کرد.

تغییر گفتمان در نسل جدید

معنای عمیق‌تر پیروزی ممدانی؛ ا مافراطر از شخص اوست. این پیروزی نشانه روندی جدید در تحولات فکری نسل جوان آمریکاست. در جامعه‌ای که دهه‌ها زیر سلطه گفتمان سسر‌مایه‌داری بوده، حالا نسل جدیدی در حال ظهور است که هم از دوگانه سنتی دموکرات-جمهوری خواه خسته شده و هم در ذهنش «سوسیالیسم» دیگر واژه‌ای منفور نیست و نظر منسجی‌های مختلف هم حکایت از همدلی بی سابقه آمریکایی‌ها با فلسطین دارند و اسرائیل را قدرتی متجاوز می‌دانند. این تغییر گفتمانی نیز تکه‌ای از پازل پیروزی ممدانی را شامل می‌شد.

دوقطبی شدید‌تر

انتخابات نیویورک نشان داد بافتار سیاسی آمریکا به سمت دوقطب چپ افراطی و راست افراطی در حال حرکت است. دیگر از سیاست‌مداران میانه‌رو که بتوانند میان این دو اردوگاه پل بزنند، خبری نیست. حالا جامعه‌ای شکل گرفته که با بایدکا کاملاً چپ باشد یا

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

گسترش فقر و جنایت در نیویورک، «ممدانی» را جذاب کرد

و بی‌نظمی در حوزه مدیریت شهری است. مردم خسته شده‌اند. حالا یک نفر آمده که این حرف‌ها را می‌زند، ایده‌های جذابی ارائه می‌دهد: «من می‌خواهم مسکن ارزان تولید کنم، اتوبوس‌ها را رایگان کنم، شغل ایجاد کنم و بافساد و ناکارآمدی در دستگاه‌های دولتی مبارزه کنم.» طبعاً مردم به او رأی می‌دهند. همین مردمانی که به‌دونالد ترامپ رأی دادند، بر اساس چنین شعارهایی، حالا به ممدانی رأی داده‌اند؛ بنابراین مسلمان بودنش مبنای اصلی پیروزی او نیست.

آیا می‌توان این پیروزی را نشانه‌ای از عدم اعتقاد مردم آمریکا به شعار «اول آمریکا» ای ترامپ دانست؟

برای اینکه بگوییم شعار «اول آمریکا» امروز موفق نبوده است، مصداق‌های خوبی وجود دارد. مثلاً در شرایطی که دولت آمریکا بی‌پول است و تعطیل شده و نمی‌تواند به کار ماندش حقوق بدهد، ۲۰ میلیارد دلار به آرژانتین داده تا آقای خاویر میلی در انتخابات برنده شود. بسیاری از حامیان ترامپ، انتقاد کرده و گفته‌اند: «یعنی چه؟ پس شعار اول آمریکا چه شد و ۲۰ میلیارد را برای چه به آرژانتین دادیم؟» یا کمک‌هایی که هنوز به اوکراین می‌کند و کمک به اسرائیل. الان نسبت به حمایت از اسرائیل، دردرو کمپین جنبش ترامپ تحت‌عنوان MAGA، موجی بالا گرفته. مثلاً تا کر کارلسون می‌گوید: «برای چه پول می‌دهید به اسرائیلی‌ها؟ مگر بی پول هستند؟ ارتش قدرتمندی دارند. اگر بخوانند، خودشان بر روند و جنگ جدید را که راه می‌اندازند مدیریت کنند. چرا ما باید خرج جنگ اسرائیل را بدهیم که بخواند با ایران بجنگد؟ مگر خودش به‌تنهایی نمی‌تواند با ایران مقابله کند؟» برای همین، تعدادی از حامیان ترامپ عصبانی شده و می‌گویند: «او حرف بر بطنی زده و بعد به آن عمل نکرده است.» دموکرات‌های لیبرال هم که از او این حرف را قبول نداشتند، می‌گویند: «این حرف الکی است؛ آمریکا اول یعنی چه؟» این شعار در طرف‌داران خودش هم مورد تردید قرار گرفته است.

پیروزی ممدانی را می‌توان تصویری از تشدید دوقطبی چپ و راست در آمریکا دانست؟

جامعه آمریکا دوقطبی شده و فاصله دو سر طیف افزایش یافته است. هر دو طرف در حال افراطی شدن هستند: هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان. جمهوری خواهان راست‌تر می‌شوند، MAGA پدید می‌آید؛ چپ‌ها هم چپ‌تر می‌شوند و از آن جلوتر هم افرادی مثل این آقای (ممدانی) پدیدمی‌آیند که سوسیالیست است. اصلاً او دموکرات نبوده و سوسیال دموکرات است. حالا حزب دموکرات در حال حرکت به سمت چپ‌گرایی است. اینکه آقای کومو رأی نمی‌آورد و آقای ممدانی در انتخابات مقدماتی رأی می‌آورد، نشان‌دهنده تمایل جامعه آمریکا به دو سر طیف رادیکال است. میانه‌روهای دموکرات و جمهوری خواه در حال رفتن به حاشیه هستند. این به‌خاطر دوقطبی شدید جامعه است. همین دوقطبی باعث شد دولت فدرال تعطیل شود؛ بودجه را تصویب نکنند و دعوی‌ایشان این قدر شدید شود. تا الان راست‌های افراطی زیر عنوان MAGA پنهان بودند؛ دموکرات‌ها بلا تکلیف بودند و تکلیفشان مشخص نبود که چه مسیری را می‌خواهند بروند. حالا با این اتفاق و تجلیلی که او با ما از ممدانی می‌کندو می‌گوید: «من حاضرتم مشاوران شوم»، نشان می‌دهد که آن‌ها به این درک رسیده‌اند که راه پیروزی در انتخابات بعدی برای دموکرات‌ها، به‌وجودآوردن یکی مثل خود ترامپ است؛ یک ترامپ لیبرال. ممدانی البته در انتخابات ریاست جمهوری نمی‌تواند شرکت کند چون متولد خاک‌آمریکانست؛ اما دیدگاهو تفکرش در حدود ۱۰ سال اخیر، جریان چپ حزب دموکرات را روزبه‌روز قوی‌تر کرده است؛ مثل برنی سندرز، الکساندرا ایواکویو، ایلهان عمر و از این جنس آدم‌ها. در درون حزب دموکرات، این‌ها بیشتر می‌شوند. حالا این داستان هم آمده و به آن‌ها انرژی مضاعف می‌دهد. انگیزه بیشتری می‌دهد که برای پیروزی باید شیوه ممدانی را عمل کنند و کاری که او کرده را ادامه دهند. الگویی می‌شود برای انتخابات بعدی. این کار باعث می‌شود افراط جناح راست، افراط جناح چپ را هم به وجود آورد و این دو دامن در حال تکمیل یکدیگرند؛ جامعه دوقطبی‌تر می‌شود. فاصله دو سرر طیف بیشتر می‌شود و دو سر این طیف روزبه‌روز رادیکال‌تر و افراطی‌تر می‌گردند.

پیروزی «زهران ممدانی» در انتخابات نیویورک، مدرک جدیدی بر شکست ایدهٔ اول آمریکای ترامپ و تقویت جریان چپ‌گرایی با نمایندگی اقلیت هاست